

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در مجله‌های
«نامه‌ی علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی» طی
سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶

امیرحسین مردانی (نویسنده مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مشهد
Mardani3@gmail.com

ملیحه نیک‌کار
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور شیراز
M_nikkar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۸/۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضعیت میزان خوداستنادی در مقاله‌های تألیفی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در مجله‌های «نامه علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی» بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ است. برای نیل به مقصود تعداد ۲۱۲ مقاله‌ی تألیفی مشتمل بر ۴۵۶۵ استناد با استفاده از روش تحلیل استنادی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسبت قابل توجهی از مقاله‌های این دو مجله (در حدود نیمی از مقاله‌ها) از خوداستنادی برخوردارند و یک‌سوم نویسندگان در مقاله‌های تألیفی، خوداستنادگر هستند. متوسط خوداستنادی در مجله‌ی «نامه‌ی علوم اجتماعی» ۰/۸ درصد و در مجله‌ی «پژوهش‌های جغرافیایی» ۰/۶ درصد به دست آمد. بررسی سالیانه‌ی مقاله‌ها نیز نشان داد که خوداستنادی در این مجله‌ها از روند منظمی برخوردار نیست و مقاله‌های مجله‌ها از نظر نوع مدرک بیشترین مدرک مورد استفاده در خوداستنادی‌ها را تشکیل می‌دادند. همچنین تفاوت معنی‌داری میان میزان خوداستنادی و تعداد نویسندگان در مقاله‌ها وجود دارد. در بررسی عمر خوداستنادی نیز مشخص شد که حدود ۴۶ درصد خوداستنادی‌ها در بازه‌ی زمانی دو ساله قرار می‌گیرند و نویسندگان در رفتار استنادی خود بیشتر به متون و مقاله‌های اخیر خود استناد کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل استنادی، خوداستنادی، دانشگاه تهران، اعضای هیأت علمی، مجله‌نامه‌ی علوم اجتماعی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی.



مجله‌ها به دلیل اینکه در فاصله‌های زمانی کوتاه و معینی به انتشار تازه‌ترین مطالب علمی در حوزه‌های خاص می‌پردازند، در کتابخانه‌های اختصاصی وابسته به سازمان‌های پژوهشی و دانشگاه‌هایی که به کار پژوهشی و آموزشی دوره‌های تکمیلی از قبیل کارشناسی ارشد و دکترا می‌پردازند دارای اهمیت ویژه‌ای هستند (محسنی، ۱۳۸۵). بنابراین، در بسیاری از رشته‌های تخصصی، اکثر پژوهشگران و نویسندگان آخرین دستاوردهای علمی و نیز نظریه‌های نوین خود را از مجرای مجله‌های علمی-پژوهشی در معرض دید مخاطبان و پویندگان علم قرار می‌دهند. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نیز جزئی از این چرخه هستند که سعی دارند تا فعالیت‌های پژوهشی و نیز تولیدات علمی خود را در کمترین زمان ممکن، در قالب مقاله از طریق مجله‌های وابسته به دانشگاه‌ها در اختیار دانشجویان و سایر همکاران علمی خود قرار دهند. از این رو با بررسی وضعیت مقاله‌ها در این مجله‌ها می‌توان به چگونگی استفاده و بهره‌گیری این دسته از نویسندگان از منابع و آثار علمی جهت نگارش مقاله‌های خود پی برد. این کار که از طریق شبکه‌ی استنادها و ارجاع‌های آن‌ها به منابع مورد استفاده در مقاله‌هایشان میسر می‌شود به عنوان تحلیل استنادی شناخته شده است.

تحلیل استنادی به علت التزام به عینی بودن، ثبات در تحلیل، و نیز به خاطر در دسترس بودن پایگاه‌هایی که اطلاعات استنادی را درباره‌ی انتشارات و مقاله‌ها فراهم می‌آورند ملاکی معتبر در ارزیابی پژوهش‌های اعضای هیأت علمی است (وینست، ۲۰۰۰). امروزه کمیته‌های ترفیع دانشگاهی استفاده‌ی مشابهی از این داده‌ها (شمارش تعداد استنادها و تعیین ضریب تأثیرگذاری مجله‌ها) برای ارزیابی بازدهی اعضای هیأت علمی خود و شایستگی علمی کار آن‌ها به عمل می‌آورند (کالهام، ۲۰۰۲).

گاهی پژوهشگران در روند بهره‌گیری از متون پیشین در نگارش مقاله‌های جاری خود ناگزیر هستند تا از مقاله‌ها و دستاوردهای مکتوب پیشین خود استفاده کنند که به آن خوداستنادی^۳ اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر، خوداستنادی زمانی به وجود می‌آید که فرد هم در مدرک استنادکننده و هم در مدرک استنادشونده، نویسنده محسوب شود. بنابراین خوداستنادی به عنوان یک رفتار استنادی دور از انتظار در رفتار علمی پژوهشگران انگاشته نمی‌شود و از

1. Vincent

2. Callaham

3. Self Citation

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

همین بابت است که خوداستنادی بخشی از استنادهای یک مجله را تشکیل می‌دهد. ویلی^۱ (۱۹۸۷)، تحلیل خوداستنادی را به عنوان روشی در پژوهش که در جهت شکل‌دهی به اندیشه‌های فلسفی و علمی یک نویسنده به کار برده می‌شود به حساب می‌آورد. او بر این باور است که تحلیل خوداستنادی می‌تواند نظم حقیقی اندیشه‌ها و مفاهیمی از نویسندگان را که در پشت یک متن نهاده شده را آشکار کند، که این خود منجر به کشف علمی خاص می‌شود.

از این رو، استناد در ارزیابی عملکرد یک عضو هیأت علمی در ایران بالاخص با ابلاغ آیین‌نامه‌ی جدید ارتقای وزارت علوم، تحقیقات، و فن‌آوری اهمیت روزافزونی یافته و پررنگ‌تر شده است. در مقاله‌ی حاضر سعی شده است با مطالعه و مقایسه‌ی رفتار خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در مقاله‌های تألیفی آن‌ها در دو مجله‌ی وابسته به دانشگاه تهران «نامه‌ی علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی»، رفتار خوداستنادی این نویسندگان و خصیصه‌های مرتبط با آن و همچنین نقش و جایگاه خوداستنادی در مقاله‌های تألیفی این افراد طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ بررسی شود. برای اینکه استناد و مسائل مرتبط با آن بهتر درک شود ابتدا توضیحاتی در زمینه‌ی انگیزه‌های استناد و خوداستنادی ارائه می‌شود.

انگیزه‌های استناد

در پژوهش‌های علمی، منابع استناد شده نقش مهمی در تدوین پدیده ادراکی و مفهومی برای یک خواننده و نیز استفاده‌های روش‌شناختی در یک مطالعه ایفا می‌کنند. نویسنده‌ی هر اثر مکتوبی ممکن است بنا به علل متفاوت به تجربه‌ای، قولی، یا نوشته‌ای اشاره داشته باشد که به این امر استناد می‌گویند. استناد به عنوان بخشی از فعالیت علمی در تألیف و مکتوب‌نمودن پژوهش‌های علمی با انگیزه‌ها و دلایل نسبتاً متنوعی اعمال می‌شود (حری، ۱۳۷۲).

استنادها تنها مجموعه‌ای از اطلاعات کتاب‌شناختی موجود در پایان مقاله یا پانویس‌ها نیستند بلکه بیانگر تصمیم نویسنده هستند که قصد دارد رابطه‌ی بین متونی که در دست تهیه دارد را با متون دیگر نشان دهد (عبدالمجید، ۱۳۸۶). عواملی که به عنوان انگیزه‌ی استناد مطرح می‌شوند بی‌تردید، متنوع و پیچیده هستند و در برگیرنده‌ی عوامل روان‌شناسی تحت تأثیر اطمینان شخصی، تجربه و احترام نویسندگان می‌باشند (هایلند^۲، ۲۰۰۳). به عنوان نمونه گارفیلد^۳

1. Muskhelishvili

2. Hyland

3. Garfield

- (۱۹۶۲) دلایل استناد به آثار دیگر نویسندگان را در پانزده مقوله دسته‌بندی کرده است:
۱. ارج گذاری و حرمت‌نهادن به پیشگامان و پیش‌کسوتان (ادای دین فکری به آنان)؛
 ۲. اعتباربخشی به آثار مرتبط و اظهار احترام به همکاران؛
 ۳. شناسایی روش‌ها، ابزارها و نظایر آن‌ها؛
 ۴. تهیه‌ی پیشینه‌ی مطالعات؛
 ۵. تصحیح و به‌قاعده در آوردن آثار خود نویسنده؛
 ۷. نقد آثار قبلی؛
 ۸. اثبات ادعاها؛
 ۹. آگاهی از انتشارات آتی و آن دسته از آثاری که آماده‌ی چاپ هستند؛
 ۱۰. رهنمون شدن به آثاری که در حد وسیع، توزیع یا منتشر نشده‌اند (یا در قالب منابع مرجع ارائه شده و پنهان باقی مانده‌اند)؛
 ۱۱. احراز صحت یا اعتبار داده‌ها و حقایق؛
 ۱۲. شناسایی آثار اصیل که در آن اندیشه‌ای برای نخستین بار مطرح شده است؛
 ۱۳. شناسایی آثار اصیل که مفهوم یا اصطلاحی وضع شده را توضیح می‌دهد؛
 ۱۴. رد اندیشه‌های دیگران؛ و
 ۱۵. اولویت‌بندی ادعاهای دیگران (مورد بحث و تردید قراردادن اظهارات پیشین).
- استنادها در سه سطح قابل بررسی هستند: سطح خرد، سطح میانی و سطح کلان. هر سطحی نیز نگاهی متفاوت دارد. در سطح خرد، استناد توسط افراد استفاده می‌شود و هدف آن تشخیص اندیشه‌ها یا اختراعات گذشته است. در سطح میانی از زنجیره‌ی استنادی برای شناخت نگرش جاری و دانش معتبر یک گروه استفاده می‌شود. در سطح کلان، ساخت کلی یک نظام استنادی می‌تواند برای تشخیص فرایندهای دانش استفاده شود (داورپناه، ۱۳۸۴).

خود استنادی

خوداستنادی نویسنده، منوط است به ارجاع یک نویسنده به یکی از آثار قبلی خود در یک مدرک جدید. خوداستنادی زمانی به وجود می‌آید که مقاله‌های استنادکننده و استنادشونده، حداقل یک نویسنده‌ی مشترک داشته باشند. بنابراین می‌توان گفت که

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

خوداستنادی‌ها به منزله‌ی یک استناد برای دست‌یابی پژوهشگران به متون پیشین و شناسایی سیر تحول علمی، مفید هستند. در واقع خوداستنادی، سهم قابل توجهی از استنادهای یک مجله یا متن پژوهشی را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از دلایل خوداستنادی، نیازهای ارجاعی برای پرداختن و رجوع به آثار گذشته‌ی خود است تا بتوان ساختار مفهومی از کار را ارائه داد. مک رابرتز^۱ (۱۹۸۹) در این زمینه بیان می‌دارد که خوداستنادی به عنوان یک مسأله‌ی بالقوه، مدام مطرح خواهد بود چراکه تقریباً ۱۰ تا ۳۰ درصد از کل استنادها را به خود اختصاص می‌دهد. خوداستنادی این امکان را فراهم می‌آورد تا یک نویسنده یا گروه برای توسعه‌ی فرضیه‌های پیشین خود به مطالعه‌ی طرح‌ها و روش‌های انجام گرفته و نیز توجیه پژوهش‌های بعدی، به نتایج قبلی ارجاع دهند. همچنین خوداستنادی ممکن است زمانی که اطلاعات انتشار یافته در یک زمینه‌ی خاص صرفاً نتیجه‌ی کار یک پژوهشگر یا گروه پژوهشی است، اجتناب‌ناپذیر باشد.

اما در نگاه برخی از منتقدان، خوداستنادی مکرر نویسنده با هدف معتبر جلوه دادن خود یا مهارت و تجربه‌ی شخصی نویسنده، باعث تداوم تفسیرهای شخصی از یافته‌های علمی می‌شود. خوداستنادی‌های نامعقول می‌توانند اعتباری تصنعی^۲ برای نتایج کار یک نویسنده یا یک گروه به وجود آورند و حتی ممکن است کشف علمی محدودی را به عنوان یک مفهوم پیشرفته و پذیرفته‌شده جلوه دهند (گمی^۳، ۲۰۰۴). براتنی^۴ (۲۰۰۷) عنوان می‌کند که ما به کاری که انجام داده‌ایم مفتخریم و اغلب مقاله‌هایمان را دوست داریم، بنابراین به آن‌ها استناد می‌کنیم. اما ما تا چه اندازه به خودمان استناد می‌کنیم؟ آیا خوداستنادی امری متداول است و این که در علوم اجتماعی نوعی خودتمجیدی^۵ به حساب نمی‌آید؟

از این رو مطالعه‌ی خوداستنادی نیز رشته‌ای فرعی از تحلیل استنادی به حساب می‌آید. همواره خوداستنادی از سهم مشخصی در شبکه‌ی استنادهای علمی و پژوهشی برخوردار است. خوداستنادی می‌تواند نشانی از استمرار تعقیب و پی‌گیری پژوهشی خود فرد باشد. در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است که خوداستنادی به عنوان بخشی از رفتار استنادی نویسندگان و پژوهشگران، قابل توجه و سنجش است. بنابراین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نیز در رفتار پژوهشی خود، از این قاعده مستثنی نیستند و در این پژوهش سعی خواهد شد با

1. Mac Roberts
5. Egotism

2. Falsely Validate

3. Gami

4. Bratney

رویکردی علمی به این مسأله نگاه شود و با مطالعه و مقایسه‌ی رفتار خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در مقاله‌های دو مجله‌ی وابسته به این دانشگاه «نامه علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی»، رفتار خوداستنادی این نویسندگان و خصیصه‌های مرتبط با آن مورد تحلیل قرار گیرد.

اهداف پژوهش

برای انجام این پژوهش، اهداف ذیل مورد توجه هستند:

۱. بررسی میزان خوداستنادی در مجله‌های مذکور و مقایسه‌ی آن با نتایج سایر پژوهش‌ها؛
۲. تعیین تعداد مقاله‌های دارای خوداستنادی در هر دو مجله؛
۳. تعیین تعداد نویسندگان خوداستنادگر در هر دو مجله؛
۴. تعیین متوسط خوداستنادی مقاله‌های این دو مجله؛
۵. بررسی روند خوداستنادی در هر دو مجله بر حسب سال انتشار مقاله‌ها؛
۶. تعیین رابطه‌ی بین میزان خوداستنادی مقاله‌ها با تعداد نویسندگان هر مقاله؛
۷. بررسی عمر خوداستنادی در مقاله‌های این دو مجله.

پرسش‌های اساسی پژوهش

این پژوهش برای نیل به اهداف مزبور درصدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

۱. تعداد و میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی هر مجله چه قدر است؟
۲. نسبت نویسندگان خوداستنادگر به کل نویسندگان مقاله‌های تألیفی در مجله‌ها چگونه است؟
۳. تعداد خوداستنادی و میزان آن برای این دو مجله چه قدر است؟
۴. متوسط تعداد خوداستنادی برای هر مقاله در این دو مجله چه میزان است؟
۵. توزیع خوداستنادی در هر مجله به ترتیب سال انتشار مقاله‌ها چگونه است؟
۶. نسبت خوداستنادی به تفکیک نوع مدارک در دو مجله به چه صورت است؟
۷. آیا رابطه‌ای بین تعداد خوداستنادی در مقاله‌ها و تعداد نویسندگان مقاله‌ها وجود دارد؟
۸. آیا بین مجله و عمر خوداستنادی‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود؟

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

فرضیه‌های پژوهش

۱. میزان خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران کم‌تر از ۱۰ درصد از کل استنادهاست.
۲. نرخ خوداستنادی مجله‌ها هر سال روند افزایشی طی می‌کند.
۳. مقاله‌ی مجله‌ها بیشترین مدرک مورد استفاده در خوداستنادی‌ها هستند.
۴. پربسامدترین عمر خوداستنادی این دو مجله در بازه‌ی زمانی ۳ تا ۵ سال قرار دارد.

پیشینه‌ی پژوهش

در مطالعه‌ی استنادی که شهریاری و افقهی (۱۳۸۶) با هدف بررسی و مقایسه میزان خوداستنادی در دو مجله‌ی علوم اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب (۱۳۷۴-۱۳۸۳) انجام دادند ۲۸۰ مقاله‌ی تألیفی این دو مجله، تحلیل استنادی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان خوداستنادی در این دو مجله به ترتیب ۲/۷ و ۲/۹ درصد است. بنابراین، نویسندگان هر دو مجله در این خصوص رفتار مشابهی را از خود نشان داده‌اند. همچنین سایر نتایج نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین رتبه‌ی علمی خوداستنادگران با مجله وجود دارد در حالی که چنین رابطه‌ی معنی‌داری بین خوداستنادی با مجله وجود ندارد. بیش‌ترین عمر خوداستنادهای این دو مجله نیز بین ۰ تا ۲ سال گزارش شد و مشخص شد که رابطه‌ی معنی‌داری بین عمر خوداستنادی با مجله وجود دارد.

جوکار و ابراهیمی (۱۳۸۶) در پژوهشی با روش تحلیل استنادی، برونادهای علمی پژوهشگران ایرانی پایگاه ISI را مورد مطالعه قرار دادند و میزان گرایش ملیت‌ها در استناد به برونادهای علمی ایرانیان (به تفکیک استنادهای بومی، خوداستنادی و استنادهای بین‌المللی براساس حدود مرزی کشورها و قاره‌ها) را مشخص کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که ۵۰/۸ درصد از استنادهای دریافتی برونادهای علمی ایرانیان از طرف پژوهشگران ایرانی و ۴۹/۲ درصد نیز از طرف پژوهشگران سایر کشورها بوده است. هم‌چنین سایر داده‌های حاصل از پژوهش نشان داد از ۵۰/۸ درصد استنادهای دریافتی پژوهشگران ایرانی، ۳۰/۷۳ درصد را خوداستنادی‌ها تشکیل می‌دهند؛ یعنی ۳۰/۷۳ درصد از استنادهای رسیده تنها به برونادهای علمی ایرانیان از طرف خود نویسنده و ۲۰/۰۲ درصد از طرف پژوهشگرانی غیر از شخص نویسنده می‌باشد.

قانع (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی خوداستنادی مجله و خوداستنادی نویسنده پرداخت و میزان هم‌بستگی میان ضریب تأثیر مجله و خوداستنادی را در حوزه‌ی علوم پزشکی بررسی کرد. در این پژوهش که با روش تحلیل استنادی انجام شد، ۳۴ مجله‌ی حوزه‌ی علوم پزشکی که در گزارش استنادی مجله‌های فارسی در سال ۱۳۸۴ دارای ضریب تأثیر بودند انتخاب، و به استنادهایی که در سال ۱۳۸۴ به مقاله‌های سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ هر مجله شده بود، مراجعه و تعداد خوداستنادی‌های (نویسنده و مجله) آنها تعیین شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین ضریب تأثیر و نرخ خوداستنادی وجود دارد و ۸۵ درصد از مجله‌های فارسی حوزه‌ی پزشکی با نرخ ۶۱/۵ درصد خوداستنادی منتشر می‌شدند و ۳۱ درصد از تغییرات ضریب تأثیر، تحت کنترل خوداستنادی مجله و سهم خوداستنادی نویسنده در تغییرات ضریب تأثیر مجله ۱۲ درصد بوده است. هم‌چنین سایر یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعداد مقاله‌ها، تأثیری در ضریب تأثیر مجله (با احتساب خوداستنادی و بدون احتساب خوداستنادی) ندارد و مجله‌هایی با ضریب تأثیر پایین، دارای خوداستنادی کم‌تری بودند، یعنی خوداستنادی‌ها بر ضریب تأثیر مجله‌ها تأثیر مثبت داشته‌اند. وی در پایان پژوهش خود با توجه به میزان بالای خوداستنادی پیش‌نهاد می‌کند که باید میزان خوداستنادی (نویسنده و مجله) کاهش یابد تا مجله‌ها در رتبه‌بندی‌ها، جایگاه واقعی خود را پیدا کنند.

طباطبایی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت خوداستنادی مقاله‌های پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی Web of Science در سال ۲۰۰۳ پرداخت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که پژوهشگران ایرانی در حوزه‌ی شیمی با میزان ۵۶/۸ درصد خوداستنادی در زمانی، بیش‌ترین میزان استناد به آثار پیشین و پژوهشگران رشته‌های کشاورزی با ۲۱/۷ درصد خوداستنادی در زمانی، کم‌ترین میزان استناد به آثار پیشین خود را داشته‌اند. میزان خوداستنادی کل پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی Web of Science در سال ۲۰۰۳ حدود ۴۰ درصد است و تفاوت‌های میان‌رشته‌ای، عامل مهمی در میزان و درصد خوداستنادی پژوهشگران ایرانی است.

بررسی پیشینه‌های منتشر شده در خارج از کشور نیز نشان می‌دهد که گارفیلد و شر^۱ (۱۹۶۳) از اولین کسانی بودند که بودند که کارکردی کمی برای تعیین خوداستنادی نویسندگان

1. Garfield and Sher

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

به کار بردند. آنان اعلام نمودند که سهم خوداستنادی در رشته‌های پژوهش محور به طور متوسط ۲۰ درصد است.

اسنایدر^۱ (۱۹۸۹) انگیزه‌های نویسندگان در خوداستنادی و نیز استناد به دیگران را در مقاله‌های پژوهشی مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت‌های نسبتاً قابل توجهی در انگیزه‌های نویسندگان برای خوداستنادی و استناد به دیگران وجود دارد.

دیمیتروف^۲ (۱۹۹۵)، ۱۰۵۸ مقاله را برای تعیین نرخ خوداستنادی در حوزه‌ی علوم کتابداری بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که ۵۰ درصد از مقاله‌ها، حداقل دارای یک خوداستنادی می‌باشند که این میزان نسبت به مطالعات پیشین در علوم اجتماعی بالاتر بود. به زعم اسنایدر (۱۹۹۸) میزان خوداستنادی در علوم انسانی به علت ماهیت غیرنمایی پژوهش‌های علوم انسانی پایین‌تر از سایر حوزه‌هاست.

در پژوهشی که بر روی مقاله‌های چاپ شده در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ مجله‌ی Decision Sciences انجام شد مشخص شد که ۴ درصد از کل استنادها، خوداستنادی هستند که این رقم معادل ۶۵ درصد از نویسندگان مجله می‌شد که از خود نقل قول کرده بودند (وینسنت و راس^۳، ۲۰۰۰).

تایو^۴ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای ۱۰ ساله که براساس ۲۵۸ مقاله‌ی پژوهشی و کوتاه‌نوشت و ۴۱۷۷ استناد دریافتی مقاله‌ها در مجله‌ی Natural Rubber Research طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ صورت داد به این نکته دست یافت که میزان خوداستنادی نویسندگان در این جامعه‌ی آماری بالغ بر ۶۱/۴ درصد است که این میزان بالا حاکی از این است که نویسندگان این مجله دارای گرایشی به سمت استناد به آثار پیشین خود هستند.

در مطالعه‌ی دیگری که کسینز^۵ (۲۰۰۳) انجام داد نقش خوداستنادی در تولید علم کشور نروژ طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که ۳۶ درصد از کل استنادها به خوداستنادی نویسندگان تعلق دارند. کسینز همچنین دریافت که سهم بزرگی از خوداستنادی‌ها را مقاله‌هایی که کمتر مورد استناد دیگران واقع شده بودند تشکیل می‌دهند و نیز ارتباط معنی‌دار و مثبتی بین تعداد خود استنادی‌ها و تعداد نویسندگان مدارک وجود دارد.

1. Snyder

2. Dimitroff

3. Vincent & Ross

4. Tiew

5. Ksens

هایلند^۱ (۲۰۰۳) نیز در بررسی خود از ۲۴۰ مقاله‌ی تألیفی و ۸۰۰ چکیده در هشت رشته‌ی موضوعی دریافت که خوداستنادی در رشته‌های علوم سخت مانند زیست‌شناسی، فیزیک و مهندسی مکانیک، بیش‌تر از رشته‌های علوم نرم مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رخ می‌دهد. برای نمونه ۱۱/۸ درصد از ارجاع‌های زیست‌شناسی در مقابل ۵/۶ درصد در رشته‌ی جامعه‌شناسی، خوداستنادی دارند. به نظر وی، دلیل میزان خوداستنادی بالا در علوم سخت، تمایل برای پی‌گیری پیشرفت خطی دانش می‌باشد به‌نحوی که ارجاع‌ها در این رشته‌ها به سمت مرزهای ثابت موضوع تحت مطالعه در جریان هستند حال آن‌که مقاله‌های پژوهشی علوم اجتماعی و علوم انسانی نوعاً دارای پراکندگی فراوان تاریخی و موضوعی هستند از این‌رو در این حوزه‌ها فرصت برای خوداستنادی نسبت به علوم سخت به‌طور نسبی کم‌تر است.

گمی (۲۰۰۴) پژوهشی در زمینه‌ی مقاله‌های چاپ شده درباره بیماری دیابت در سال ۲۰۰۰ انجام داد. وی پس از تقسیم‌بندی این مقاله‌ها به دو دسته‌ی مروری و بکر به این نتیجه رسید که نسبت خوداستنادی مقاله‌های بکر نسبت به مقاله‌های مروری ۱۹ به ۹ است. هم‌چنین نتایج پژوهش وی نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین توزیع خوداستنادی و کیفیت انتشارات وجود ندارد.

هاتسون^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود ۴۱۰ مقاله‌ی موجود در ۴ مجله‌ی حوزه‌ی باستان‌شناسی را تحلیل استنادی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که در حدود ۸/۴ درصد از کل استنادها به خوداستنادی نویسندگان اختصاص یافته بود. هم‌چنین رابطه‌ی ضعیفی بین خوداستنادی با جنسیت نویسنده‌ی استادکننده، عامل جغرافیایی و تمرکز موضوعی پژوهش مشاهده شد در حالی که بین سن نویسندگان و خوداستنادی، ارتباط معنی‌دار قوی گزارش شد.

بیگلو^۳ (۲۰۰۶ آ)، روند میزان خوداستنادی در مجله‌های متعلق به دو کشور ایران و ترکیه که در «گزارش‌های استنادی مجله‌ها»^۴ نمایه شده بودند را برای یک دوره‌ی ۵ ساله یعنی از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که گرایش به خوداستنادی در مجله‌های ایرانی نمایه شده در این پایگاه، رشد چشم‌گیری در سراسر دوره‌ی مطالعه از خود نشان داده است به‌نحوی که از ۸ درصد خوداستنادی در سال ۲۰۰۰ به ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است. در حالیکه این روند برای مجله‌های ترکیه، روندی نزولی را نشان می‌دهد و از ۲۲

1. Hyland

2. Hutson

3. Biglu

4. Journal Citation Reports

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش پیدا کرده است. بیگلو (۲۰۰۶ ب) تعداد ۴۳۲ مجله‌ی آلمانی را که در سال ۲۰۰۰ و تعداد ۴۲۷ مجله‌ی دیگر را که در سال ۲۰۰۵ در «گزارش‌های استنادی مجله‌ها» فهرست شده بودند را مورد تحلیل استنادی قرار داد. نتایج نشان داد که در مجله‌هایی که در سال ۲۰۰۰ در این پایگاه نمایه شده بودند چیزی حدود ۹۱ درصد از کل افراد دارای نرخ خوداستنادی ۱ تا ۷۹ درصد بودند حال آنکه در تمام مجله‌های نمایه شده در سال ۲۰۰۵ حدود ۹۶ درصد از تمام افراد دارای نرخ خوداستنادی از ۱ تا ۷۲ درصد بودند. به عبارت دیگر یافته‌های این پژوهش افزایش ۲۲/۴۵ درصدی خوداستنادی را در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد.

مک براتنی^۱ (۲۰۰۷) در تحلیل استنادی ۹۶ مقاله‌ی حوزه‌ی زیست‌شناسی به این نتیجه رسید که در کل، نرخ متوسط خوداستنادی ۱۵ درصد است. خوداستنادی مقاله‌های مروری، حدود ۱۰ درصد بیش‌تر از خوداستنادی مقاله‌های پژوهشی است. در این پژوهش هیچ ارتباطی میان خوداستنادی با متغیرهایی چون تعداد صفحات مقاله‌ها، سال نشر مقاله، تعداد استنادها و تعداد نویسندگان مقاله‌ها گزارش نشد.

روش پژوهش

در این مطالعه تمام استنادهای موجود در ۲۱۲ مقاله‌ی تألیفی دو مجله‌ی «نامه علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی» طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ که بالغ بر ۴۵۶۵ استناد بود بررسی شد. لازم به ذکر است که چون مقاله‌های ترجمه‌ای در این مجله‌ها بیانگر رفتار استنادی نویسندگان ایرانی نیستند لذا این دسته از مقاله‌ها به همراه مقاله‌هایی که نویسندگان آن‌ها جزو اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران نبودند از جامعه‌ی مورد مطالعه حذف شدند. از آن‌جا که هدف این پژوهش بررسی رفتار خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در مقاله‌های تألیفی آنان می‌باشد بنابراین بهترین جامعه‌ی آماری ممکن، مجله‌های «نامه علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی» هستند که توسط دانشگاه تهران منتشر می‌شوند، از سابقه‌ی طولانی انتشاراتی برخوردارند و حداکثر مقاله‌های تألیفی از جانب این افراد را در برمی‌گیرند.

روش گردآوری اطلاعات در این مطالعه به صورت کتابخانه‌ای است. به این منظور با

1. Mc Brateny

مراجعه به وب گاه پایگاه نشریات الکترونیکی دانشگاه تهران^۱، فهرستی از مجله‌های آن دانشگاه تهیه شد. سپس با انتخاب دو مجله‌ی پیش گفته و مراجعه به فهرست مندرجات آنها، مقاله‌های تألیفی از مقاله‌های ترجمه‌ای در بازه‌ی زمانی مورد بررسی جدا و انتخاب شدند. در نهایت از صفحه‌ی عنوان و فهرست منابع مقاله‌های مشخص شده یک نسخه‌ی کپی تهیه شد. برای بررسی ارتباط میان برخی از شاخص‌های این پژوهش از آزمون مجذورخی و تصحیح یتس استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش، ۹۷ مقاله‌ی تألیفی مربوط به مجله‌ی «نامه‌ی علوم اجتماعی» و ۱۱۵ مقاله‌ی تألیفی مربوط به مجله‌ی «پژوهش‌های جغرافیایی» مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که در هر مجله به ترتیب ۴۵ و ۵۲ مقاله دارای خوداستنادی بودند. بنابراین می‌توان گفت که میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی برای این دو مجله به ترتیب ۴۷/۴ و ۴۵/۲ درصد است.

پاسخ پرسش دوم پژوهش نشان داد که شمار نویسندگان مقاله‌های تألیفی در «نامه‌ی علوم اجتماعی»، ۱۴۹ و برای «پژوهش‌های جغرافیایی»، ۲۰۵ نویسنده است، که از میان این نویسندگان، تعداد نویسندگان خوداستنادگر برای این دو مجله به ترتیب ۴۶ و ۵۳ نفر بودند. بنابراین میزان نویسندگان خوداستنادگر برای دو مجله به ترتیب ۳۰/۸ و ۲۵/۸ درصد محاسبه شد.

در مورد پرسش سوم بعد از بررسی منابع کلیه‌ی مقاله‌های تألیفی این دو مجله، تعداد استنادهای مقاله‌های تألیفی در مجله‌ی «نامه‌ی علوم اجتماعی»، ۲۴۸۹ و تعداد آن برای مجله‌ی «پژوهش‌های جغرافیایی»، ۲۰۷۶ مورد دست آمد که در این میان تعداد خوداستنادی‌های این دو مجله به ترتیب ۱۰۸ و ۷۶ بود و میزان خوداستنادی به ترتیب ۴/۲ و ۳/۶ درصد محاسبه شد. از این رو فرضیه‌ی اول پژوهش مبنی بر اینکه میزان خوداستنادی اعضای هیأت علمی کمتر از ۱۰ درصد تمام استنادهای مقاله‌ها است تأیید می‌شود.

در پاسخ به پرسش چهارم باید گفت که تعداد خوداستنادی و تعداد مقاله‌های تألیفی برای «نامه‌ی علوم اجتماعی»، ۱۰۸ و ۹۷ است در حالی که تعداد خوداستنادی و تعداد مقاله‌های

1. <http://journals.ut.ac.ir/user/>

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

تألیفی برای «پژوهش‌های جغرافیایی»، ۷۶ و ۱۱۵ است. از این رو می‌توان گفت که میانگین خوداستنادی هر مقاله به ترتیب برای دو مجله‌ی مزبور ۰/۸ و ۰/۶ درصد است (جدول ۱).

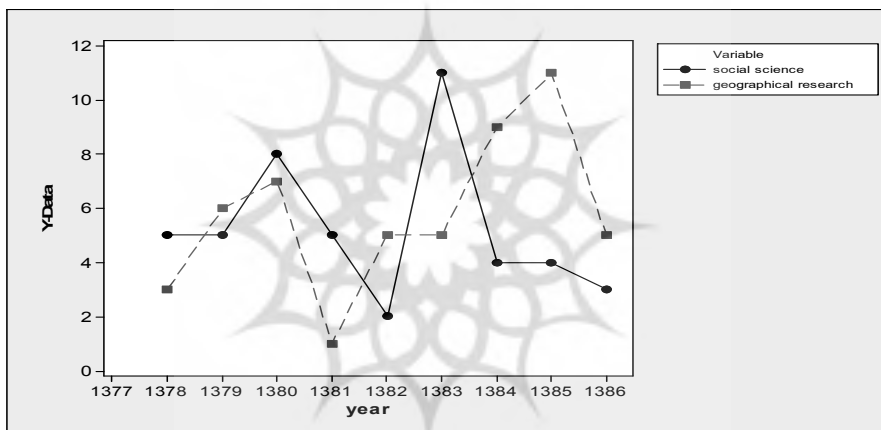
جدول ۱. داده‌های توصیفی «نامه‌ی علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی»

| پژوهش‌های جغرافیایی | نامه‌ی علوم اجتماعی | مجله شاخص |
|---------------------|---------------------|--|
| ۱۱۵ | ۹۷ | تعداد مقاله‌های بررسی شده |
| ۵۲ | ۴۵ | تعداد مقاله‌های دارای خوداستنادی |
| ۴۵/۲ | ۴۷/۴ | میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی به درصد |
| ۲۰۷۶ | ۲۴۸۹ | کل استنادهای مقاله‌های تألیفی |
| ۷۶ | ۱۰۸ | تعداد خوداستنادی |
| ۳/۶ | ۴/۲ | میزان خوداستنادی به درصد |
| ۰/۶ | ۰/۸ | متوسط خود استنادی در هر مقاله |
| ۲۰۵ | ۱۴۹ | تعداد نویسندگان مقاله‌های تألیفی |
| ۵۳ | ۴۶ | تعداد نویسندگان خوداستنادگر |
| ۲۵/۸ | ۳۰/۸ | میزان نویسندگان خوداستنادگر به درصد |

جدول ۲ که نتایج بررسی خوداستنادی نویسندگان این دو مجله را بر حسب سال گزارش می‌کند می‌تواند پاسخ‌گوی سؤال ۵ پژوهش باشد. همان‌طور که این داده‌ها نشان می‌دهند خوداستنادی در «نامه‌ی علوم اجتماعی» از رشد صعودی یا نزولی منظمی برخوردار نبوده است به طوری که در سال ۱۳۸۲ پایین‌ترین و در سال ۱۳۸۳ بالاترین میزان را داشته است؛ اما بعد از آن یعنی در ۳ سال آخر بررسی، این مقدار کاهش یافته است. این حرکت به گونه‌ای دیگر هم در «پژوهش‌های جغرافیایی» قابل مشاهده است به طوری که در سال ۱۳۸۱ پایین‌ترین و در سال ۱۳۸۵ بالاترین تعداد خود استنادی دیده می‌شود و در سال آخر هم سیر نزولی پیدا کرده است (جدول ۲). بنابراین، فرضیه‌ی دوم این پژوهش، مبنی بر اینکه نرخ خوداستنادی مجله‌ها در هر سال روند افزایشی طی می‌کند رد می‌شود. در نمودار ۱، این مسأله بهتر نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی خوداستنادی بر حسب سال انتشار مقاله

| سال نشر به | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۶ | جمع |
|------------------------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|-----|
| نامه‌ی علوم اجتماعی | ۵ | ۵ | ۸ | ۵ | ۲ | ۱۱ | ۴ | ۴ | ۳ | ۴۵ |
| پژوهش‌های جغرافیایی | ۳ | ۶ | ۷ | ۱ | ۵ | ۵ | ۹ | ۱۱ | ۵ | ۵۲ |
| جمع | ۸ | ۱۱ | ۱۵ | ۶ | ۷ | ۱۵ | ۱۳ | ۱۵ | ۸ | ۹۸ |



نمودار ۱. توزیع فراوانی خوداستنادها بر حسب سال انتشار

با توجه به جدول ۳ در پاسخ به پرسش ششم یعنی تعیین نسبت خوداستنادی در دو مجله بر حسب نوع مدرک مورد استناد، این مدارک، به شش گروه تقسیم شدند که براساس داده‌های مندرج در این جدول می‌توان گفت که در مجله‌ی «نامه‌ی علوم اجتماعی»، مجله با میزان ۴۰/۷۴ درصد بالاترین مدرک مورد استفاده در خوداستنادی‌های نویسندگان مقاله‌ها بوده است و بعد از آن کتاب با ۲۷/۷۷ درصد و مقاله‌ی سمینار با ۱۲/۰۳ درصد، بیشترین میزان استناد را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین در مجله‌ی «پژوهش‌های جغرافیایی» نیز مجله با ۳۵/۵۲ درصد بالاترین مدرک استفاده شده است و بعد از آن به ترتیب، کتاب با ۳۴/۲۱ درصد و پایان‌نامه ۱۵/۷۸ درصد بیشترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳). بنابراین، فرضیه‌ی سوم پژوهش، مبنی بر این که مقاله‌ی مجله‌ها بیشترین مدرک مورد استفاده در خوداستنادی‌ها است تأیید می‌شود.

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

جدول ۳. توزیع خوداستنادی ها برحسب نوع مدرک

| نوع مدرک | نامه‌ی علوم اجتماعی | | پژوهش‌های جغرافیایی | |
|--------------|---------------------|---------|---------------------|---------|
| | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی |
| کتاب | ۳۰ | ۲۷/۷۷ | ۲۶ | ۳۴/۲۱ |
| مجله | ۴۴ | ۴۰/۷۴ | ۲۷ | ۳۵/۵۲ |
| پایان نامه | ۵ | ۴/۶۲ | ۱۲ | ۱۵/۷۸ |
| طرح پژوهشی | ۳ | ۲/۷۷ | ۲ | ۲/۶۳ |
| مقاله سمینار | ۱۳ | ۱۲/۰۳ | ۵ | ۶/۵۷ |
| سایر موارد | ۱۳ | ۱۲/۰۳ | ۴ | ۵/۲۶ |
| مجموع | ۱۰۸ | ۱۰۰ | ۷۶ | ۱۰۰ |

با توجه به جدول ۴ به منظور پاسخ‌گویی به پرسش هفتم پژوهش با استفاده از آزمون آماري مجذور خی این نتایج به دست آمد: در مورد مجله‌ی «نامه‌ی علوم اجتماعی» چون عدد محاسبه شده از عدد جدول با درجه‌ی آزادی ۳ و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ بزرگ‌تر است ($64 > 7/81$) حکم می‌کنیم میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در مجله‌ی «پژوهش‌های جغرافیایی» نیز چون عدد محاسبه شده از عدد جدول بزرگ‌تر است ($23/7 > 7/81$) پس حکم می‌کنیم بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که در هر دو مجله، تفاوت معنی‌داری بین تعداد نویسندگان و میزان خوداستنادی مقاله‌ها وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴. ارتباط بین تعداد نویسندگان مقاله‌ها و میزان خوداستنادی

| تعداد نویسنده | نامه‌ی علوم اجتماعی | | پژوهش‌های جغرافیایی | |
|---------------|---------------------|------------|---------------------|------------|
| | تعداد مقاله | خوداستنادی | تعداد مقاله | خوداستنادی |
| ۱ | ۲۲ | ۵۷ | ۲۵ | ۳۸/۴۶ |
| ۲ | ۱۸ | ۴۰ | ۳۳ | ۴۸/۰۷ |
| ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۹/۶۱ |
| ۴ و بیشتر | ۲ | ۷ | ۲ | ۷/۸۹ |
| جمع | ۴۵ | ۱۰۸ | ۵۲ | ۱۰۰ |



چنان که در جدول ۵ مشاهده می شود برای بررسی پرسش آخر، عمر خوداستنادی‌ها به ۴ گروه تقسیم شدند. با به کارگیری تصحیح یتس، مجدورخی محاسبه شده (۴/۳۶) در سطح ۰/۰۵ و درجه‌ی آزادی ۳ کوچکتر از عدد جدول (۷/۸۱) است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی داری بین مجله و عمر خوداستنادی‌ها وجود ندارد. همچنین با توجه به مندرجات جدول می توان گفت که فرضیه‌ی چهارم پژوهش نیز رد می شود چراکه بیشتر خوداستنادی‌ها در محدوده‌ی عمر استنادی ۰-۲ سال قرار دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که نویسندگان در رفتار استنادی خود بیشتر به متون و مقاله‌های اخیر خود استناد کرده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع عمر خوداستنادی در نشریات

| عنوان نشریه | عمر خوداستنادی | ۰-۲ | ۳-۵ | ۶-۸ | ۹ سال به بالا | مجموع |
|---------------------|----------------|-----|-----|-----|---------------|-------|
| نامه‌ی علوم اجتماعی | ۵۶ | ۲۵ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۰۸ | |
| پژوهش‌های جغرافیایی | ۲۸ | ۲۲ | ۹ | ۱۷ | ۷۶ | |
| مجموع | ۸۴ | ۴۷ | ۲۲ | ۳۱ | ۱۸۴ | |

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که حدود نیمی از مقاله‌های تألیفی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران و نیز حدود یک سوم از این افراد دارای خوداستنادی هستند. از سوی دیگر با بررسی تعداد نویسندگان خوداستنادگر این دو مجله به ترتیب میزان ۳۰/۸ و ۲۵/۸ نویسنده‌ی خوداستنادگر در این مجله‌ها مشخص شدند. میزان خود استنادی «نامه‌ی علوم اجتماعی» ۴/۲ و «پژوهش‌های جغرافیایی» ۳/۶ به دست آمد که این میزان خوداستنادی تا حدی در راستای نتایج و پیش‌بینی‌های پژوهش‌های پیشین انجام شده توسط سایر پژوهشگران است (گارفیلد، ۱۹۶۳؛ مک رابرتز، ۱۹۸۹). با بررسی تعداد خوداستنادی‌ها و نیز تعداد مقاله‌های تألیفی هر دو مجله به ترتیب متوسط خود استنادی در مجله‌ی «نامه‌ی علوم اجتماعی» ۰/۸ درصد و در مجله‌ی «پژوهش‌های جغرافیایی» ۰/۶ درصد محاسبه شد. بررسی جریان خوداستنادی برحسب سال در این مجله‌ها نیز حاکی از این است که جریان خوداستنادی از سیر صعودی یا نزولی چندان منظمی پیروی نمی کند. در عین حال میزان خوداستنادی در سال آخر بررسی در هر دو مجله

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

کاهش یافته که این سیر نزولی ممکن است کاهش مقطعی یا شروع کاهش مداوم برای سال‌های آتی باشد. این نکته را می‌توان با انجام مطالعات بعدی بر روی این مجله‌ها تکمیل نمود. بیش‌ترین مدرک مورد استفاده در خوداستنادی‌های این افراد، مقاله‌ی مجله‌ها می‌باشد که نشان دهنده‌ی تمایل این افراد به ارائه‌ی نتایج پژوهش‌ها و برون‌دادهای علمی خود در مجله‌های علمی کشور است. هم‌چنین تفاوت معنی‌داری بین تعداد نویسندگان مقاله‌ها و میزان خوداستنادی در هر دو مجله مشاهده شد. بررسی عمر خوداستنادی این دو مجله نیز نشان می‌دهد که حدود ۴۶ درصد از خوداستنادی‌ها در دوره‌ی زمانی ۰ تا ۲ سال قرار دارند. پایین‌بودن عمر خوداستنادی نویسندگان می‌تواند حاکی از این باشد که نویسندگان به طور معمول به دنبال موضوع واحدی در پژوهش‌های اخیر خود هستند و همواره تمایل دارند که با مرور زمان و انجام پژوهش‌های بیشتر، ابعاد و مرزهای یک موضوع را بهتر معرفی و کاوش نمایند و نظریات سابق خود را گسترش بدهند. با این وجود تفاوت معنی‌داری بین مجله و عمر خوداستنادی‌ها مشاهده نشد.

پیشنهادها

براساس نتایج دریافتی و در تکمیل نتایج این پژوهش پیشنهادهای پژوهشی ذیل ارائه می‌شوند:

۱. این مطالعه بر روی دو مجله‌ی علمی-پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است، لذا می‌توان بررسی خوداستنادی را در سایر مجله‌ها انجام داد و نتایج آن را با یافته‌های پژوهش حاضر مقایسه کرد.
۲. پژوهشی تطبیقی در زمینه‌ی مقایسه‌ی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران با سایر دانشگاه‌ها انجام شود.
۳. بررسی و مقایسه‌ی تطبیقی میزان خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های ایران با سایر دانشگاه‌های معتبر خارجی صورت گیرد.
۴. در این پژوهش، تنها خوداستنادی نویسندگان بررسی شد از این رو لازم است که برای این دو مجله یا دیگر مجله‌ها، سایر جنبه‌های خوداستنادی نظیر خوداستنادی مجله، موضوعی و سازمانی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

منابع

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری (۱۳۸۶). آئین نامه‌ی جدید ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب ۱۳۸۶/۹/۲۰. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.

جوکار، عبدالرسول؛ ابراهیمی، سعیده (۱۳۸۶). میزان گرایش ملیت‌ها در استناد به تولیدات علمی ایران. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۴۰(۴)، ۲۱۳-۲۳۶.

حری، عباس (۱۳۷۲). *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.

داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۴). جایگاه استناد در فعالیت‌های علمی. *فصلنامه کتاب*، ۱۶(۳)، ۸۷-۹۶.

شهریاری، پرویز و افقهی، اسماعیل (۱۳۸۶). خوداستنادی در مجلات علوم اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب (۱۳۷۴-۱۳۸۳). *فصلنامه کتاب*، ۱۲۵-۱۳۶.

طباطبایی، یوسف (۱۳۸۷). *تحلیل خوداستنادی مقاله‌های پژوهشگران ایرانی، نمایه شده در پایگاه استنادی Web of Science در سال ۲۰۰۳*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.

عبدالمجید، امیرحسین (۱۳۸۶). *تحلیل استنادی: تعاریف و کاربردها. علوم اطلاع‌رسانی*، ۲۲(۳)، ۷۳-

۸۸

قانع، محمدرضا (۱۳۸۶). میزان همبستگی خوداستنادی با ضریب تاثیر مجله‌های علمی حوزه‌های علوم پزشکی در گزارش استنادی نشریات فارسی. *مدیریت اطلاعات سلامت*، ویژه‌نامه شماره ۱، ۵۳-

۶۴

محسنی، حمید (۱۳۸۵). *کلیات مجموعه سازی و انتخاب*. تهران: دانشگاه پیام نور.

Biglu, M. H. (2006 a). Tendency towards the Self-Citation among journals in Iran and Turkey. Retrieved February 17, 2009 from http://eprints.rclis.org/archive/00011131/01/IRAN_Turkey.pdf

Biglu, M. Hossein. (2006 b). The Impact Factor and Self Citation trend of German journals indexed in the JCR (2000-2005). Retrieved February 17 2009 from <http://edoc.hu-erlin.de/oa/reports/rekylhia7fnkk/pdf/26rptckiwrzc.pdf>.

Callaham, M. (2002). Journal prestige, Publication Bias, and other Characteristics associated with citation of published studies peer reviewed Journals. *JAMA*, 287, 2847-2850.

Dimitroff, A. ; Arlitsch, K. (1995). Self-citations in the library and information science literature. *Journal of Documentation*, 51(1), 4456.

Gami, A. (2004). Author self-citation in the Diabets Literature. *Canadian Medical Association Journal*, 170 (13), 1925-1970.

بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در ...

- Garfield, E. (1962). Can citation indexing be automated? *Essasy of an Information Scientist*, 1, 84-90. Retrieved from http://www.garfield.library.upenn.edu/essays/V1p084_y1962-73.pdf
- Garfield, E.; Sher, I. H. (1963). New factors in the evaluation of scientific literature through citation indexing. *American Documentation*, 18, 195-201.
- Hutson, S. R. (2006). Self-Citation in Archeology Age, Gender, Prestige, and the Self. *Journal of Archeological Method and Theory*, 13(1).
- Hyland, K. (2003). Self-citation and self-reference: credibility and promotion in academic publication. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54(3), 251-29.
- Ksnes, D. A. (2003). a Macro study of self citation . *Scientometrics*, 56(2), 235-246.
- Mac Roberts , M.H. ; Mac Roberts, B. R. (1989). Problems of Citation analysis: A critical review. *JASIS*, 40(5), 342-349.
- Mc Bratney , A. ; Minasny, B. ; Hartemink, A. (2007) . *How much do we love cite ourselves?*. *ΠΕΔΟΜΕΤΡΟΝ*, 22.
- Muskhelishvili, N. L. ; Oganyan, E. A. ; Shreider, Y. (1987). Analysis of self citation as a method of research into the shaping of author's scientific and philosophical concepts.(Russian). *Nauchno-Tekhnicheskaya Informatsiya*, 2 (12), 10-15.
- Snyder, H. ; Bonzi, S. (1998). Patterns of self-citation across disciplines (1980-1989). *Journal of Information Science*, 24(6), 431-435.
- Tiew, W.S. (2000). Characteristics of Self-citations in Journal of Natural Rubber Research 1988- 1997: A Ten-year Bibliometric Study. *Malaysian Journal of Library & Information Science*, 5 (1), 95-104 .
- Vincent , A. ; Ross, Dianne (2000). Citation Analysis of the Dsaicion Journal. *Decision Line*, 31 (31), 1-7.
- Vincent , A. , Ross, Dianne (2000).On Evaluation of Faculty research impact of citation analysis. *the Journal of Applied Business Research*, 16(2), 1-14

به این مقاله این گونه استناد کنید:

مردانی، امیرحسین؛ نیک کار، ملیحه (۱۳۸۸). بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در مجله‌های «نامه‌ی علوم اجتماعی» و «پژوهش‌های جغرافیایی» طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶. *پیام کتابخانه*، ۱۵ (۳)، ۱۴۹-۱۶۷.

